

منطق مجازات شروین

محسن آزموده

در روزهای اخیر انتشار متن حکم مجازات آقای شروین حاجی‌پور ترانه‌سرا و آهنگساز جوان ایرانی بحث‌برانگیز شده است. در بخشی از حکم ایشان جملاتی آمده که صدای خلی‌ها را در آورده است، آنجا که نوشته شده است: «دادگاه متهم را به مدت دو سال ممنوعیت خروج از کشور، جمع‌آوری دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگی، علمی و هنری و انتشار آن در فضای مجازی به نام خود، مطالعه و خلاصه‌نویسی کتاب حقوق زن در اسلام تالیف شهید مطهری و کتاب زن در آیینه جمال و جلال تالیف حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی به میزان سی صفحه هر یک به صورت مجزی و دست‌نویس جهت درج در پرونده و رایه به واحد اجرا و انتشار آن از طریق فضای مجازی و ساخت موسیقی درباره جنایات امریکا علیه بشریت و جمع‌آوری نقض حقوق بشر از سوی دولت امریکا در یک قرن اخیر و انتشار آن از طریق فضای مجازی، شرکت در دوره آموزشی مهارت رفتار و دانش در حوزه هنر، محکوم می‌نماید.» واکنش‌ها به بخش‌های مختلف این حکم بسیار جذاب و خواندنی است. انصافاً هم می‌توان یک یک جملات این حکم را تحلیل محتوا کرد و درباره آنها گفت و نوشت.

اما از میان واکنش‌ها، پرسروصداترین آنها مربوط به فرزند آیت‌الله جوادی‌آملی و نوه شهید مطهری است. محتوای اعتراضی ایشان آن است که چرا دادگاه، مطالعه و خلاصه کردن کتاب‌های پدر و پدربزرگشان را به عنوان مجازات در نظر گرفته. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران هم در مطبوعات و فضای مجازی با ایشان همسو شده‌اند و این کار دادگاه را توهین به آن عالمان و اندیشه‌های ایشان تلقی کرده‌اند. از اکثر این مفسران و پژوهشگران انتظاری نیست، اما از فرزند آیت‌الله و نوه شهید که هر دو خود عالم و دانش‌آموخته علوم دینی هستند، عجیب است که چنین اظهارنظرهایی می‌کنند، به خصوص که پدران بزرگوار این هر دو آقازاده، از بنیانگذاران نظام حکومت اسلامی بوده‌اند و در طول دهه‌ها هم نه تنها هیچ اعتراض جدی‌ای به سیاست‌های فرهنگی و قضایی نداشته‌اند، بلکه از انواع و اقسام امکانات و موهبت‌ها بهره‌مند بوده‌اند.

اما مساله اصلی آن است که این عزیزان انگار سرشت و ماهیت مجازات

اسلامی را که در حکم بر آن تصریح شده، متوجه نیستند. هدف این حکم، صرفاً بازدارندگی و تنبیه (به معنای منفی) آن نیست. اصلاً چنین نیست. مجازات اسلامی هدفش انسان‌سازی و ساختن انسانی از تراز نوین است. قصد احکام اسلامی، تنها جبران مافات یا امتناع از تکرار جرم نیست، بلکه آن است که فرد خاطی از درون متحول شود و دریابد که اشتباه کرده و اذعان کند که راه خطا را پیموده و در کنار آن بفهمد که راه درست و صواب چیست.

اگر با این مبنا پیش برویم، از حکم آقای حاجی‌پور شگفت‌زده نمی‌شویم. با منطق انسان‌سازی که ذکر شد، فرض دادگاه این است که آقای حاجی‌پور یا کتاب‌های شهید مطهری و آیت‌الله جوادی‌آملی را نخوانده یا اگر خوانده، با دقت نخوانده است، چون به باور متولیان دادگاه که همه از عالمان برجسته اسلامی هستند، اگر کسی این کتاب‌های آموزنده و ارزشمند را با دقت بخواند، در حدی که بتواند آنها را جداگانه خلاصه کند، هرگز دچار این اشتباه نمی‌شود که ترانه «برای» را بسراید و اجرا کند. اصولاً خود متولیان هم با خواندن همین کتاب‌ها به چنین دیدگاه‌هایی رسیده‌اند و اگر کسی از آنها بپرسد که چرا به این نظر خاص در مورد حقوق زنان از دید اسلام قائل هستید، به همین کتاب‌ها ارجاع می‌دهند.

با این توصیف آیا فرزند آیت‌الله جوادی‌آملی و نوه شهید مطهری جز این می‌اندیشند؟ آیا آنها موافق با این نیستند که این کتاب‌ها بهترین و دقیق‌ترین آثاری هستند که در طول نیم قرن اخیر در دفاع از حقوق زن از نگاه اسلامی نوشته شده‌اند و بسیار مستدل و منطقی هستند و هر کس که آنها را بخواند، حقانیت احکام اسلامی در این باره را درمی‌یابد، مگر اینکه به لحاظ اخلاقی آدم مشکل‌داری باشد؟ شاید هم این بزرگواران با تاثیر کتاب و کتاب خواندن در روحیه و افکار آدم‌ها موافق نیستند. کوتاه سخن آن به لحاظ منطقی و عقلانی از دید قانونگذاران حکومت اسلامی حکم آقای حاجی‌پور کاملاً معقول و منطقی و قابل انتظار است و کسانی که با آن مخالف هستند یا معنای آن را نمی‌دانند یا خودشان را به کوچه علی‌چپ می‌زنند.